مطالعات محیطی هفت حصار شماره چهل‌وهفتم/ سال سیزدهم/ بهار ۱۴۰۳
صفحات ۱۳۲-۱۱۷

فهم عوامل مؤثر بر شکل‌گیری هویت در شهر جدید پردیس*

محدثه یوسف‌پور**، محمود جمعه‌پور***، علی خاکساری رفسنجانی****

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۳/۱۱

چکیده

روند روز افزون جمعیت و تمرکز آن در کلانشهرها موجب ایجاد شهرهای جدید با هدف اولیه جذب سرریز جمعیتی شد. این شهرها در مجاورت کلانشهرها، با تکیه بر اصل خوداتکایی و سامان‌دهی فضایی با اهداف از پیش معین، مکان‌یابی شدند. این پدیده به عنوان یک پدیده نوین در زیست شهری ایران بوجود آمده و مسائل و مشکلات بسیار آنها، پژوهشگران را بر آن داشته است که به این موضوع از ابعاد مختلف توجه ویژه‌ای پیدا کنند. شهر جدید پردیس که در ۱۷ کیلومتری شرق کلانشهر تهران استقرار یافته و مکان‌یابی آن در اسفند سال ۱۳۶۸ به تصویب رسیده نیز از این مسئله مستثنی نیست. جذب مهاجر بدون توجه به بافت اجتماعی و فرهنگی مقصد و اسکان جمعیتی نامتجانس با یکدیگر موجب شکل‌گیری تنوع هویتی ساکنان، اغتشاش هویتی و انزوای اجتماعی ساکنان شده که حس تعلقی از این شهر دریافت نکرده و تمایلی به حضور در فضا در آنها دیده نمی‌شود. هدف از این پژوهش تحلیل و درک مؤلفه‌هایی است که موجب شکل‌گیری اغتشاش هویتی در وضع موجود این شهر گشته است. پژوهش حاضر یک پژوهش کاربردی با روش کیفی و راهبرد تحلیل محتوا است. جامعه هدف ۲۸ نفر با در نظرگیری اشباع نظری و شامل دو گروه کادر مدیریت شهری و شهروندان و ابزار جمع آوری اطلاعات مصاحبه نیمه ساخت یافته و ابزار تحلیل اطلاعات نرم‌افزار تحلیل داده‌های کیفی MAXQDA بوده که از کدگذاری در ۳ مرحله، ۴۳۰ کد، ۱۲ مقوله فرعی و۴ مقوله اصلی استخراج شد. نتایج نشان داد شهروندان «کمبود خدمات رفاهی» را به گونه‌ای غیرمستقیم در بی میلی در تجربه فضا و ضعف در نگهداشت جمعیت مؤثر دانسته اما کادر مدیریت شهری «تحقق نیافتن نقش تفریحی توریستی پیشنهادی برای شهر جدید پردیس از سوی اسناد بالادستی» را عامل عدم دریافت هویت شهری از سوی ساکنان و فقدان وجود تصویر متمایز شهر دانسته اند.

واژگان کلیدی

شهر جدید پردیس، هویت، تنوع هویتی، هویت مستقل

* این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول با عنوان «تنوع هویتی در شهرهای جدید و راهکارهای شکل دهی به هویت مستقل و افزایش پایداری اجتماعی با مطالعه موردی شهر جدید پردیس » به راهنمایی نگارنده دوم و مشاوره نگارنده سوم در دانشگاه علامه طباطبایی است.

** گروه برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) m_yosefpour@atu. ac. ir
*** استاد گروه برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران jomehpoor@atu. ac. ir
**** استاد گروه برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران khaksari@atu. ac. ir

مقاله پژوهشی- مورد پژوهی
©: IAUH
ISSN: 2322-5602

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]

مقدمه

در شهرهای جدید که در مدت زمان کوتاهی بدون هسته اولیه با اهداف ساماندهی اوضاع شغلی و زندگی سالم ساخته می‌شوند، خود اتکایی (برای این اجتماعات برنامه ریزی شده که با مسافت کمی از مادرشهر با مساحت و جمعیت معین مکان‌یابی می‌شوند)، به عنوان یک اصل به حساب می‌آید (زیاری، ۱۳۹۴:۸_۷). الگوی ساخت شهرهای جدید هم اکنون به عنوان مبنایی برای نظم و تعادل فضایی منطقه‌ای و پالایش فضایی شهرهای بزرگ پذیرفته شده است (Manouchehri & Tork & Vahidi, 2015:462). چه در تجربه جهانی و چه در ایران، مفهوم شهرهای جدید به عنوان راه حلی برای فرآیند شتاب یافته شهرنشینی در ابتدا در نظر گرفته شد. به غیر از شهرنشینی سریع، این تجربه در ایران ابزاری برای مداخله در دوره بازسازی پس از جنگ ایران و عراق بود (Basirat & Arab,2022:85). این شهرها با چالش‌های جدی روبرو شدند. گونه‌ای از ساختار این شهرها به گونه‌ای کوچکند که توان ارائه عملکردهای شهری به شهروندان خود را ندارند و دیگر گونه از آنها به حدی بزرگ است که پس از سالها هنوز به جمعیت متناسب پیش بینی شده خود دست نیافته اند. در برخی موارد دیده شده است که این شهرها با شهر مرکزی ادغام شده اند(Cai & Meulder & Lin & Sun,2020:4).

شهر جدید پردیس که یکی از شهرهای جدید کلانشهر تهران در منطقه شرق است با نقش میانی مکانیابی شد. یکی از ویژگی‌های اصلی شهرهای میانی این است که پذیرش نقش مرکز به سمت پیرامون در مقیاس منطقه‌ای، نه تنها آن‌ها را رشد می‌دهد، بلکه منجر به تقویت بنیان‌های توسعه‌ای مورد نیاز در منطقه و حوزه نفوذ آن‌ها نیز می‌شود (Marvi & Eghbali & Hataminejad,2022:187). هویت از تاریخ و قدمت سکونتگاه‌ها و شهرها برمی خیزد. افراد طالب روابط اجتماعی با دیگر انسان‌ها هستند. آنان جستجو در خاطرات را می‌خواهند، خاطراتی که در کوچه پس کوچه‌های شهرشان مدفون شده باشد. "استوارت هال هویت را یک روند در حال شدن می‌داند که یک شناسنامه و عامل شناخته شدن است" و "احمد اشرف، هویت را مجموعه ویژگی‌های فردی و خصوصیات رفتاری می‌داند که از روی آن فرد به عنوان یک گروه اجتماعی شناخته شود و از دیگران متمایز بشود" (بمانیان و همکاران، ۱۳۸۹:۵۶).

همانطور که مایکل یانگ و پیتر ویلموت[1] دو جامعه شناس در کتاب خود در مورد توسعه پس از جنگ و مسائل مرتبط با آن پرداختند که عده‌ای از مردم از محل زندگی خود به مناطق جدید با استانداردهای خدماتی بهتری در پیرامون شهر لندن مهاجرت کرده ولی چیزی که موجب آزار مهاجران بود، نبود اجتماع یا یک محیط اجتماعی بوده که مهاجران را راغب به بازگشت به مکان قبلی کرده به طوری که گفته می‌شود یکی از زنان ساکن بیان می‌کند: هفته‌ها به خاطر این موضوع گریه کردم و خود را تنها و غریب احساس کردم (تایلور، ۱۳۹۴:۶۴). این موضوع از آن جهت حائز اهمیت است که سرمایه اجتماعی در این‌گونه شهرها با تهدید و چالش‌های فراوانی روبرو است. از سویی دیگر با وجود پتانسیل طراحی شهرهای جدید با نام برند پایدار، متنوع و فراگیر، شواهد نشان داده است که این گونه از شهرها در مقیاسی بی‌سابقه، محرومیت‌های اجتماعی ایجاد می‌کنند(Moser,2020:125) .

عدم دستیابی به پیش بینی جمعیتی در اولین طرح تهیه شده برای شهر، فقدان حس تعلق به مکان، عدم وجود هویت کالبدی و وجود تنوع هویتی در شهروندان، خوابگاهی شدن شهر جدید پردیس، نبود یک زبان و گویش واحد، وجود افراد با فرهنگ های متفاوت، وجود افرادی که دارای هنجارهای متفاوت با دیگر افراد هستند، کاهش تعاملات اجتماعی میان افراد و کارکرد ضعیف چرخه اقتصادی شهر به دلیل ارجحیت افراد بر دریافت خدمات از کلانشهر تهران به دلیل نزدیکی به این شهر از مسائل این شهر است. شهر جدید پردیس که در ۱۷ کیلومتری شرق کلانشهر تهران قرار داشته و مکانیابی آن در اسفند سال ۱۳۶۸ به تصویب رسیده، از شمال به کوه های البرز، از جنوب به روستای کرشت، سیاه سنگ و طاهر آباد، از شرق به شهر بومهن و از غرب به منطقه جاجرود محدود می‌شود و به لحاظ جذب جمعیت حائز اهمیت است. این شهر در سرشماری سال ۱۳۹۵، ۷۳۳۶۳ نفر جمعیت داشته و حدود ۳۶۰۰ هکتار وسعت دارد. شهر جدید پردیس همچون دیگر شهرهای جدید با تمام این مسائل دست و پنجه نرم می‌کند.

"باید توجه داشت که شکل گیری هویت نتیجه تعامل بین هوشیاری فردی و ساختارهای اجتماعی است. این شکل دارای ساختار موزون و هماهنگ اجتماعی است که هر کس در آن نقش هایی ایفا می‌کند. بنابراین هویت چیزی نیست مگر انعکاسی از جامعه که فرد هوشیارانه نظامی از ارزش‌ها را می‌پذیرد و در موقعیت‌های مختلف استفاده می‌کند" (ربانی و همکاران، ۱۳۸۹:۱۰۳). نبود یک محیط اجتماعی سالم افراد را از حضور در عرصه‌های عمومی منع می‌کند و این مسائل برخاسته از سیاست‌های نادرست برنامه‌ریزی شهری بود که توجه اصلی آنها بر برنامه‌ریزی فیزیکی و کالبدی بوده و اینکه آنان نمی‌دانستند خواسته اجتماعات محلی چیست و مشورت با آنان را بیهوده می‌پنداشتند. این مسئله اهمیت ابعاد اجتماعی را تا حد زیادی نشان می‌دهد.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]

مبانی نظری

در شهرهای جدید که به لحاظ قدمت تاریخی تهی هستند، خانواده‌ها با گوناگونی هویتی و فرهنگی خود با دیگر خانوارها روبرو هستند چراکه هر خانوار هویت خود را از منطقه جغرافیایی دیگری الهام گرفته است، گذشته، حال و آینده در جریان تکوین هویت، حاکی از آن است که ما چه کسی هستیم، چه می‌کنیم و در طول حیات به چه چیزی تبدیل می‌شویم و علاوه بر این، کار هویت تا جایی که حل و فصل ناممکن است، شکننده و ناپایدار باقی می‌ماند(Kehily,2009:3). در این جوامع افراد، بایدها و نبایدها، گویش و پوشش خاص خود را دارا بوده و با همان الگو به تربیت نسل می‌پردازند و فرزندان هنگام درک محیط اطراف با مشاهده تعارض‌ها و تفاوت‌ها با مسائل عدیده‌ای به لحاظ اجتماعی دست و پنجه نرم می‌کنند چراکه وقتی رابطه بین یک فرد و یک مکان رشد می‌کند، مردم در دو مقیاس مختلف شروع به شناسایی خود می‌کنند؛ بزرگتر و کوچکتر. مقیاس بزرگتر، کشور و شهر را پوشش می‌دهد در حالی که مقیاس کوچکتر شامل همسایگی، اتاق، مدرسه و محل کار است(Qazimi,2014:306).

شهر جدید: شهرهای جدید در قبل و پس از انقلاب ساخته شدند اما هدف از ساخت اینگونه شهرها پس از انقلاب تغییر یافت و نقش جذب سرریز جمعیت کلانشهرها را ایفا کرده و با یک سری اهداف ساخته شد ولی به این اهداف دست پیدا نکرد و به دلیل بی توجهی به چالش‌های اجتماعی پیش رو در اینگونه شهرها ساکنان آنها به انزوای اجتماعی دچار شده و شهر حالت خوابگاهی به خود گرفت.

در زیر به دیگر تعریف‌های شهر جدید به تفصیل پرداخته شده‌است:

* شهرهای جدید در پاسخ به اهداف و مقاصد از پیش اندیشیده شده، اقدام به برنامه‌ریزی برای اجتماعات می‌کنند (زیاری، ۷:۱۳۹۴).

* شهر جدید، اجتماعی است خوداتکا در فاصله‌ای مشخص از مادرشهر با مساحت و جمعیت معین، دارای تمامی تسهیلات لازم در یک محیط مستقل با برنامه‌ریزی و اهداف از پیش معین (زیاری، ۷:۱۳۹۴).

* احداث شهرهای جدید اقدامی ارادی با فرض وجود یک سازمان یا به‌صورت کلی یک منبع قدرت برای تأمین منابع و مکان برای توسعه شهر و اعمال کنترل پی‌درپی در آن تا شهر به حالتی پاینده دست پیدا کند (زیاری، ۷:۱۳۹۴).

* مفهوم شهرهای جدید، مفهوم عناصر یک شهر در ارتباط ارگانیک با یکدیگر می‌باشد. این شهرها در جهت تمرکز زدایی اقتصادی، اجتماعی و کالبدی در ناحیه شهری شهرهای بزرگ و در نزدیکی آن‌ها مکان‌یابی می‌شوند تا این نزدیکی منجر به تشویق جمعیت جهت خروج از مادرشهر شده و این خروج و اسکان در شهرهای جدید، همراه با برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و اجتماعی و کالبدی، سبب زندگی اجتماعی کامل و ارتقاء سطح وضعیت اشتغال گردد (زیاری، ۸:۱۳۹۴). توجه عمیق به ارتباط میان سکونت و اشتغال در جذب جمعیت و عملکرد صحیح شهرهای جدید بسیار مهم است (Kheyroddin & Ghaderi,2019:2).

در زیر به مؤلفه هویت و هویت شهر در قالب دیدگاه‌های گوناگون پرداخته شده است:

از دیدگاه واژه شناسی: هویت واژه‌ای است سهل و ممتنع. ساده است زیرا اغلب افرادی که از این واژه استفاده می‌کنند درکی کمابیش درست از آن دارند و دشوار است زیرا در جستجوهای علمی پژوهشگرانه نمی‌توان به تفسیر تمام موضوعات مرتبط با هویت که تمامی آن را پوشش دهد پرداخت. (بهزادفر، ۱۹:۱۳۹۰). این در حالی است که بسیاری از پژوهشگران بر این باورند که این حکم ارتباطی به زبان عربی ندارد. هویت‌ها ویژگی‌ها و ویژگی‌های شخصیتی، روابط اجتماعی، نقش‌ها و اعضای گروه اجتماعی هستند که فرد را تعریف می‌کنند. پیوندهای دنتی می‌توانند بر گذشته تمرکز کنند- آنچه که قبلا در مورد فرد درست بود، حال- آنچه که اکنون در مورد فرد درست است، یا آینده- شخصی که انتظار می‌رود یا می‌خواهد تبدیل شود(Smith,2012:69).

لغتنامه دهخدا در تفسیر این کلمه از واژهایی چون ماهیت، وجود، هستی، و تشخص بهره گرفته است (دهخدا، ۲۰۸۴۷:۱۳۷۲). همچنین این لغت نامه واژه تشخص را برجسته شدن نامیده که مقصود برجسته شدن امتیازهای یک پدیده از امتیازهای پدیده دیگر است که سبب تمایزها می‌گردد (دهخدا، ۵۹۰۸:۱۳۷۲). در زبان انگلیسی واژه هویت با واژه Identity مشخص می‌گردد که در فرهنگ لغت آکسفورد این واژه تحت عنوان واقعیت بودن یک شخص یا یک چیز و باورها، ویژگی‌های احساساتی که افراد را از دیگران تمایزمی‌بخشد، یاد شده است. (esanj. ir).

از دیدگاه روان‌شناسی و جامعه شناسی: روانشناسی از حوزه‌های معرفت شناسی بشری انگشت شماری است که از واژه هویت تعریف روشنی دارد. این دانش حس هویت را از ویژگی‌های شخصیت دانسته و آن را اینگونه تعریف کرده است: هویت حسی است که انسان نسبت به تداوم حیات روانی خود داشته و وحدت و یکپارچگی در حالات روانی که انسان در مقابل اوضاع متغیر و بی ثبات خارجی در خود حس می‌کند. (بهزادفر به نقل از کلاین برگ، ۱۳۹۰: ۲۱). هویت در روانشناسی با نام ادیکسون پیوند خورده است. او هویت را اینگونه تعریف کرده

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]

است: هویت تصور فرد از خویش که در دوران نوجوانی شکل می‌گیرد و اندیشه فرد را از اینکه چه کسی است و چه کسی می‌خواهد باشد با یکدیگر می‌آمیزد. او از بحران هویت به عنوان بحرانی که در دوران نوجوانی در فرد بوجود آمده و سبب بوجود آمدن احساس ناتوانی در کسب هویت خود می‌گردد یاد کرده است. همچنین او معتقد به تاثیرات ۳ مؤلفه تاریخ، فرهنگ و اجتماع بر خلق کل شخصیت بوده است. (بهزاد فر به نقل از نوربرگ شولتز، ۱۳۹۰: ۲۱).

"یک روایت روانشناسی کلاسیک دیگر از دوران نوجوانی را می‌توان در اثر اریکسون[۲]، به ویژه در کتاب هویت جوانان و بحران، که در سال ۱۹۶۸ منتشر شد، یافت. نظریه رشد اریکسون، شرح پیاژه از "سنین و مراحل" را به بزرگسالی و پیری بسط می‌دهد. هر یک از این هشت مرحله او با یک تعارض روانی اساسی مشخص می‌شود که حل و فصل موفق آن امکان پیشرفت به مرحله بعدی را فراهم می‌کند. در مورد نوجوانی، تعارض بین هویت و "سردرگمی نقش" است. بنابراین اریکسون نوجوانی را به عنوان دوره بحرانی شکل‌گیری هویت می‌بیند که در آن افراد بر عدم قطعیت غلبه می‌کنند، از نقاط قوت و ضعف خود بیشتر آگاه می‌شوند و نسبت به ویژگی‌های منحصر به فرد خود اعتماد به نفس بیشتری پیدا می‌کنند"(Bukingham,2008:2). شهر عرصه‌ای است که انسان‌ها خود را درآن شناسایی کرده و با محیط و دیگران تعامل برقرار می‌کنند. بنابراین عناصری که در شهر تغییر می‌کنند، پیامدهایی رابر هویت شهری اعمال می‌کنند چراکه هویت شهری ساختاری پویاست که نسبت به هر تغییر واکنش نشان می‌دهد. این هویت را می‌توان به عنوان تاثیری که ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی، تاریخی، محیطی و فضایی بر ساکنان آن اعمال می‌شود تعریف کرد. البته نمی‌توان تاثیر صنعتی شدن در قرن۲۰ و نوسانات اقتصادی ملی و جهانی در دهه‌های گذشته را بر درک زمان و فضا، شرایط زندگی و اشکال مصرف و درنهایت تغییر در شهر نادیده گرفت.

این تغییرات در شهر منجر به تغییر در آداب و رسوم و به صورت کلی روش‌هایی است که ما در یک مکان استفاده می‌کنیم. بنابراین این الزامات جدید حاصل از شرایط جدید زندگی شهری، سبب تغییر فضاهای موجود در شهر می‌گردد(Kandemir,2017:1). هویت اجتماعی یک حس شخصی است که وابسته به گروهی است که فرد در آن عضویت دارد. نخستین بار نظریه هویت اجتماعی توسط هنری تاجفل و جان ترنر[۳] مطرح شد. مؤلفه اصلی در این نظریه این است که افراد هویتشان را از ۲ بعد تعریف می‌کنند: ۱. اجتماعی که آنها وجود خود در گروه‌های متفاوت را مایه عزت نفس دانسته اند (Howard,2000:369). این گروه‌ها هویت اجتماعی را سبب می‌گردند و انسان خود و دیگر هم گروهی‌های خود را "ما" و افراد در گروه‌های دیگر را "آنها" نامیده و برای ارتقاء تصویر خود تبعیض قائل میشود (سنایی،۱۳۹۷). آنها بعد اجتماعی متمایزی را به هویت (یا خود)می‌افزایند که در آن بر سوابق و پیامدهای هویت‌های مشترک جمعی تمرکز می‌کند (Simon & Trotschel,2008:90).

فرضیه اصلی در نظریه هویت اجتماعی[۴] تلاش جمعی در جهت جست و جوی ویژگی‌های منفی در دیگر گروه خارجی است تا بدین وسیله در جهت ارتقاء تصویر گروه خود برآیند. روانشناسان اجتماعی که بر ماهیت چند وجهی هویت تمرکز کرده اند، هویت اجتماعی را به عنوان یک جزء تشکیل دهنده قدرتمند در گسترش تعصب درون گروهی و تضاد میان گروهی دانسته اند (Huddy,2001:1). تا جایی که فرد خود را از نظر یک گروه خاص تعریف می‌کند، آن بر رفتارهای فرد برای خود و نحوه تعامل فرد با دیگران که ممکن است اعضای گروه‌های مختلف باشند، تاثیر می‌گذارد (Deaux,2001:5). از سویی، بعد دیگر تعریف افراد از هویتشان به ابعاد شخصی باز می‌گردد که شامل ویژگی‌هایی است که فرد را از دیگران متمایز می‌سازد. تصور می‌شود که هویت اجتماعی و شخصی در دو انتهای یک زنجیره قرار داشته و مرتبط با زمینه، کم و بیش برجسته می‌شوند (Howard,2000:369).

بحران هویت: هنگامی که از بحران هویت سخن گفته می‌شود، ممکن است عده‌ای تصور کنند که منظور بی‌هویتی است و این باور کاملاً اشتباه است چرا که در دنیای واقعی هیچگاه بی‌هویتی در شکل مطلق که فرد یا شی (فضا و عناصر آن) قابل تشخیص نباشند، رخ نمی‌دهد زیرا هر پدیده‌ای هویت خاص خود را داراست اما این بدان معنی نیست که لزوماً هویت مدنظر ما را دارا باشد. بحران هویت زمانی رخ می‌دهد که فرد تناقضی میان حقایق پدیده‌های اطراف با پنداشت خود و یا به عبارت دیگر عدم هماهنگی میان عینیت با ذهنیت خود احساس کند. نکته حائز اهمیت در شناخت بحران هویتی، خطر گرفتاری در دام دل اندوهی است که برخی از افراد متصور شوند که سنجش هویتمندی پدیده، هماهنگی با تصویر گذشته پدیده است در صورتی که ملاک سنجش قیاس با گذشته نیست چرا که ممکن است تصویر یا فرم پدیده درگذشته نیاز به هویت افراد در حال را پاسخ ندهد. بنابراین برای جلوگیری از گرفتاری در این دام باید در نظر داشت که ملاک ارزیابی هویتمندی پدیده‌ها انتظار افراد در زمان حال و آینده است (بهزادفر، ۱۳۹۰: ۴۵).

برای اریکسون، هویت عمدتا نشان‌دهنده یک احساس ذهنی از یک‌سان بودن و تداوم در طول زمان و در میان متن‌ها است و به بهترین شکل با یک بعد دو قطبی، از ترکیب هویت گرفته تا سردرگمی هویت، نشان داده می‌شود. سنتز هویت به کار مجدد شناسایی دوران کودکی در

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]

مجموعه‌ای بزرگ‌تر و خود تعیین از ایده‌ها، ارزش‌ها و اهداف اشاره دارد، در حالی که سردرگمی هویت نشان‌دهنده ناتوانی در توسعه یک مجموعه عملی از اهداف و تعهدات است که براساس آن یک هویت بزرگسال بنا نهاده می‌شود (Luyckx & Schwartz & Goossense & Beyers & Missotten, 2011:3).

همچنین به تبع بحران هویت، پیامدهایی برای افراد بوجود می‌آید که مهم‌ترین آن، احساس بی‌ریشگی است. یعنی فرد در جست و جوی ریشه و اصالت خود به دنبال دستاویزی برای انتساب خود به هویت محل زندگی‌اش است اما اگر فرد نتواند دچار بحران هویتی می‌شود، چنین فردی فقدانی را در خود حس کرده، نسبت به خود و محل زندگی دلزده شده و دچار سرخوردگی می‌گردد (بهزادفر، ۱۳۹۰: ۴۵). نیومن[5] سه مؤلفه ۱. عدم آشنایی و بیگانگی ساکنان با یکدیگر ۲. نبود نظارت همگانی در فضاها و عرصه‌های عمومی و ۳. داشتن دسترسی به راه فرار را از عوامل مؤثر بر افزایش بدهکاری و جنایات در فضای شهری دانسته و از این طریق به لزوم وجود هویت شهری صحه می‌گذارد (سوری به نقل از نیومن، ۳۵:۱۳۸۸). هیلیر[6] به امنیت فضای شهری حاصل از حرکت مردم در فضاهای شهری و عرصه های عمومی معتقد بوده و به اعتقاد او ایجاد فضاهای با هویت شهری موجب اشتیاق مردم برای حضور در فضا گشته و به سبب آن امنیت فضا افزایش می‌یابد (سوری به نقل از هیلیر، ۳۶:۱۳۸۸_۳۵). جین جیکوبز[7] که در ساماندهی شهرها بر جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی تمرکز کرده است، بر این باور است که این مؤلفه سبب ایجاد علائق اجتماعی می‌شود (پاپلی یزدی، ۱۲۶:۱۳۹۳). کولانتونیو[8] پایداری اجتماعی را مرتبط با سبک زندگی افراد و جوامع جهت دستیابی به اهداف مدل‌های توسعه‌ای که دارند، دانسته و زمینه‌های سیاست‌های اجتماعی سنتی را همچون عدالت، سلامت، اقتصاد و محیط زیست را با مفاهیمی چون خوشبختی، رفاه، هویت و کیفیت زندگی در هم می‌آمیزد(colantonio and Dixon, 2009: 3).

هویت شهر: در دهه‌های گذشته واژه هویت در بخش‌های مختلف محبوبیت یافته است. برخی گمان می‌کنند که هویت تمایز میان خود و دیگری است. در واقع هویت به این موضوع اشاره دارد که رابطه میان یک فرد و جامعه او، توسط گروه‌های اجتماعی که او را در محیط خود تعریف می‌کنند، تعریف می‌شود که این تعریف بر معنای هویت در یک محیط شهری تاکید دارد. همچنین بسیاری از پژوهشگران و نویسندگان معتقدند که این عوامل به میزان زیادی تحت تاثیر محیط و آنچه در آن رخ می‌دهد، قرار دارد. این بدین معنی است که هویت در یک محیط شهری توسط فعالیت‌ها یا رویدادهای در حال وقوع و یا توسط عناصر محیطی تعریف می‌شود(Cheshmehzangi And Heat,2012:254). کسب هویت از طریق جامعه پذیری در یک فرد جوان مبتنی بر یک توضیح کارکردگرایانه، سنتی و هنجاری عبارت است از: دریافت منفعلانه تاثیرات بزرگسالان توسط جوان یا به عبارت دیگر یک "شدن" به جای "بودن" در حق خود (Buckingham,2008:4).

شهری که دوره‌ای از رشد تا افول را تجربه می‌کند نمی‌تواند مدعی توسعه پایدار بدون هویت شهری باشد. با تبدیل یک منطقه کم ارزش و فرسوده به منطقه‌ای ارزشمند، جامعه محلی می‌تواند به طور همزمان غرور اجتماعی، اقتصاد محلی و هویت شهری را تحقق بخشد (Honghwang,2014:67). کوین لینچ[9] در کتاب خود تحت عنوان شکل خوب شهر به معرفی معیارهای ارزیابی شکل خوب یک شهر پرداخته و برای هریک از این معیارها، شاخص‌هایی را ارائه داده است. این معیارها عبارتند از: معنا، عدالت، کارایی، تناسب، سرزندگی، دسترسی، نظارت و اختیار. به عقیده او برای ارزیابی معیار معنا ۵ شاخص وجود دارد که عبارت است از ۱- خوانایی ۲- شفافیت ۳- سازگاری ۴- ساختار ۵- هویت. لینچ عنصر خوانایی را عنصری کلیدی در هویت شهری می‌داند و لازمه حضور خوانایی در شهر را وجود نشانه‌های شهری می‌داند. نشانه‌هایی که وجود آنها باعث ایجاد نقشه ادراکات ذهنی از شهر در ذهن شهروندان گشته و هویت کالبدی شهر را سبب می‌گردد (یوسفی و همکاران، ۴۷:۱۳۹۶).

مؤلفه‌های هویتی شهر: همانطور که پیش از این ذکر شد بی‌هویتی در معنای مطلق آن وجود ندارد گرچه افراد یا گروه‌هایی از بی‌هویتی برخی از مکان‌ها و فضاها سخن می‌گویند اما مقصود آنان عدم قرارگیری آن فضا در دسته‌بندی الگوهای سنتی یا مدرن به شکل غربی آن است. این بدین معنی است که ویژگی‌های هویتی فضا در شهرهای ایرانی امروزه را نمی‌توان در هیچکدام از الگوهای شهرهای سنتی و کهن ایرانی و شهرهای مدرن غربی گنجاند. معیارهای شناخت هویت شهر همانند هویت افراد از ۲ بعد ذهنی و عینی تشکیل شده و در ۳ طبقه کلی جای می‌گیرد. ۱- معیارهای طبیعی ۲- معیارهای مصنوع ۳- معیارهای انسانی (بهزادفر، ۱۳۹۰: ۵۴- ۵۳). ابعاد عینی و ذهنی در دسته بندی‌های دیگری همچون شکل و محتوا، ظاهر و باطن، پیدا و پنهان، کالبد و معنا قابل جایگذاری است (لطیفی و همکاران، ۳۰:۱۳۹۴).

در بحث شناخت مؤلفه‌های هویتی شهر هر دو جزء حائز اهمیت می‌باشد. جزء عینی یک شهر شامل کالبد و ساختار آن، کارکردهای اقتصادی، فضاهای عمومی و ... جزء ذهنی شهر شامل گروه‌های اجتماعی ساکن در شهر، ادراک، شعور اجتماعی، مطالبات آنها و وضعیت شهروندی از لحاظ همگن یا غیر همگن بودن می‌باشد (وارثی و همکاران، ۲۳:۱۳۸۹). مؤلفه‌های هویتی شهر از درون مایه شخصیتی شهرها بر می‌خیزند. چنانچه هر یک از اجزای مذکور دارای ویژگی برجسته‌ای باشند، نقشی هویتمند در شهر را ایفا می‌کنند (ایرانمنش و شیخ پور، ۸:۱۳۹۹). به

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]

طور کلی از منظر مؤلفه‌های تاثیرگذار بر هویت در یک بافت می‌توان به عواملی چون ابعاد ذهنی، مؤلفه‌های فرهنگی، دغدغه‌های اجتماعی و عوامل سیاسی، شاخصه‌های کالبدی، فیزیکی و سبک‌های معماری، شخصه‌های عینی و روح بخش فضا و در آخر مؤلفه‌های اقلیمی اشاره کرد (سیاوش پور و همکاران، ۱۵۲:۱۳۹۸). تعلق مکانی که در زمره معیارهای انسانی قرار می‌گیرد، به حالتی روانی و ذهنی که از اثرات محیط زندگی در فرد ظاهر می‌گردد گفته شده که این مهم با هویت مکانی نیز مرتبط بوده و این پیام را یادآور می‌گردد که این فرد از آن این مکان است (بهزادفر، ۱۳۹۰: ۶۶). احساسی که میان انسان با محیط یا مکان به سبب پیوند عمیق بین آن دو بوجود می‌آید. این پیوند عمیق از عوامل متعددی همچون نشانه ها، معنای ضمنی در پس فضاها و وجود خاطرات جمعی و مشترک و فرهنگ و... سرچشمه می‌گیرد. شامای درجات حس تعلق به مکان را به سه درجه اصلی ۱. تعلق به مکان ۲. دلبستگی به مکان ۳. تعهد به مکان را با ۷سطح مشخص می‌کند: (مشکینی و همکاران به نقل از شامای، ۴۵:۱۳۹۲).

۱. بی تفاوتی نسبت به مکان: این سطح در ارزیابی حس مکان کاربرد دارد.

۲. آگاهی از قرارگیری در یک مکان: در این سطح به این مسئله آگاه است که در یک مکان مشخص با نمادهای متمایز در مکان زیست می‌کند ولی هیچ حسی به آن ندارد.

۳. تعلق به مکان: در این سطح نه تنها فرد از نمادها و نشانه های متمایز در مکان آگاه بوده بلکه آنان مورد احترام شخص بوده و فرد نسبت به حوادثی که در پیرامون مکان او رخ می‌دهد بی تفاوت نیست.

۴. دلبستگی به مکان: در این درجه که تمایز مکانی با دیگر مکان‌ها و تفاوت در نمادها و نشانه‌ها بسیار حائز اهمیت هستند، فرد با مکان انس داشته و ماهیت و شخصیت مکان از هویت فرد و تجربه‌های جمعی و مردمی در اختلاط با نمادها و نشانه‌ها به وجود می‌آید.

۵. یکی شدن با اهداف مکان: در این حالت که از نام آن پیداست، فرد در ابتدا اهداف و مقاصد مکان را تشخیص و خود را با آنها انطباق داده و با اقتضاء و نیاز مکان در آمیخته است. در این انس، اختلاط و درهم آمیختگی، فرد از خودگذشتگی کرده و علاقه، عشق و پشتیبانی خود را نسبت به مکان ابراز می‌دارد.

۶. حضور در مکان: در این درجه که مؤلفه تعهد به مکان‌حائز اهمیت است، به حضور پررنگ فرد و نقش او در مکان اشاره دارد.

۷. فداکاری برای مکان: این سطح و سطح قبلی برخلاف دیگر سطوح از عمل و رفتار حقیقی اشخاص برداشت می‌شود. در این سطح فرد به واسطه عشق و عهد و پیمان خود با مکان حاضر است در جهت تمایلات و گرایش ها، استقلال و آسایش مکان فداکاری های زیادی از خود نشان داده و زمان منابع و دارایی خود را در این راه صرف کند.

روش تحقیق

روش تحقیق هدایت کننده جست و جوها و پژوهش‌های علمی بوده و نیل به اهداف پژوهش جز با روش شناسی صحیح میسر نخواهد شد. به عبارتی دیگر، روش شناسی با نظم بخشیدن منطقی و اصولی کردن آن، فرایند مطالعه را در جهت دستیابی به اهداف پژوهش رهبری می‌کند (خاکی۱۹۳:۱۳۷۸). پژوهش پیش رو پژوهشی کاربردی با روش کیفی و راهبرد تحلیل محتواست. جامعه هدف، ساکنان و متخصصان در حوزه مدیریت شهری شامل کارمندان شهرداری و شرکت عمران و دیگر سازمان‌هایی است که ارتباط عمیق با مردم پردیس داشته اند، می‌باشد. لازم به ذکر است که نمونه‌گیری این پژوهش نیز به روش نمونه‌گیری هدفمند بوده و به طور کلی با ۲۸ نفر مصاحبه انجام شده است که ۱۳ نفر از ساکنان و ۱۵ نفر از بخش مدیریت شهری بوده است و پس از این تعداد مصاحبه پژوهشگر تشخیص اشباع نظری داده است. حجم نمونه در پژوهش های کیفی محدود است چراکه پس از چند نمونه، پژوهش به اشباع نظری رسیده و ادامه روند جمع آوری داده، اطلاعات جدیدی را به داده‌های قبلی اضافه نمی‌کند. همچنین نمونه‌گیری در روش پژوهش کیفی همچون روش پژوهش کمی تابع فرمول قانون خاصی نیست و تابع ویژگی‌های پژوهشی و مسائل مورد نظر پژوهشگر است که ادراک کافی صورت گرفته است یا خیر. بنابراین خلاقیت پژوهشگر در این روش بیش از روش کمی مورد نیاز است (مرادی، ۱۳۹۴، analysisacademy. com).

اطلاعات در قالب مشاهدات میدانی پژوهشگر و مصاحبه نیمه ساخت یافته بدست آمده و برای تحلیل آنها از نرم‌افزار MAX QDA استفاده شده است. بدین صورت که پس از ضبط مصاحبه و تایپ یک به یک آنها و تقسیم مصاحبه‌ها به ۲بخش مدیریت شهری (۱۵نفر) و شهروندان (۱۳نفر) که شامل ساکنان، معتمدین محل، امام جمعه و... شهر بودند با هدف قیاس میان دیدگاه‌های مدیریت شهری و شهروندان در مقوله هویت شهری، کدگذاری باز در محیط نرم‌افزار MAX QDA پس از هر مصاحبه، انجام و مصاحبه بعدی با توجه به ویژگی‌های مدنظر نگارنده، انتخاب و یکی پس از دیگری مصاحبه با افراد انجام شد.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]

پس از کدگذاری باز تمامی مصاحبه ها، نوبت به کدگذاری دور دوم و در پژوهش حاضر کدگذاری محوری جهت یافتن مقوله‌های فرعی آغاز و پس از این مرحله، مقوله‌های اصلی در پاسخ به سوال پژوهش استخراج شدند. نمونه‌هایی که به صورت هدفمند انتخاب شدند، شهروندان و کارمندانی هستند که سالها از سکونت آنان در شهر جدید پردیس گذشته و اطلاعات و شناخت کافی نسبت به این شهر دارند.

همچنین پژوهشگر از اصل حداکثر گوناگونی برای افزایش تنوع اقوام مصاحبه شونده برای اعتبار نتایج پژوهش به کار گرفته است. این امر به این معناست که قبل از انجام مصاحبه پژوهشگر با استفاده از تکنیک مشاهده و حضور بلندمدت در محیط ابتدا اعتماد عمومی را جلب کرده و سپس به مصاحبه پرداخته است. مشاهده‌ای که پژوهشگر از آن بهره گرفته، مشاهده‌ای است نظام‌مند. یعنی مشاهده‌ای که هدفمند، آگاهانه و به دور از قضاوت‌های ارزشی است. مشاهده‌ای فعال که متغیرهایی همچون نور، سن و جنس غالب افراد در محیط تغییر کند و از مشاهده عمیق و فعال برای فراگیری و درک اهمیت شاخص‌های فضایی بر پدیده بی‌هویتی یا به عبارت دقیق تر اغتشاش هویتی در این شهر جدید، بهره گرفته است. همچنین پژوهشگر در جهت اهداء فضای کافی به مصاحبه شونده از پرسش‌های باز استفاده کرده است. بنابراین پژوهشگر در این پژوهش از مشاهده و مصاحبه به صورت توامان بهره گرفته است. پژوهشگر از مصاحبه سیستماتیک نیمه ساختار یافته استفاده کرده و در موارد نیاز از مصاحبه فوکوس گروپ برای درک نظرات دو پهلو و متناقض در سوالات پرچالش بهره گرفته است.

روند انجام مصاحبه و پرسش‌هایی که در طول گفت و گو از مصاحبه شوندگان پرسیده شد، ابتدا در راستای شناساندن و تدقیق بحث هویت توسط نگارنده به مصاحبه شونده (جهت سهولت و دقت در پاسخ‌های دریافتی و افزایش اعتبار پژوهش) گفت و گو با پرسش‌هایی همچون مکان‌های خاطره انگیز افراد در شهر، انطباق یا عدم انطباق شکل و فرم شهر با اقلیم منطقه، ترجیح یا عدم ترجیح تجربه فضای شهری جهت گذران اوقات فراغت، وضعیت خوداتکایی اقتصادی و اشتغال، تمایل به مهاجرت به کلانشهر تهران، نقش شهر جدید پردیس در اسناد بالادست، میزان مشارکت مردم در پیشبرد امور شهری و دریافت حس امنیت از فضای شهری و... ادامه یافت. البته به دلیل نیمه ساخت یافته بودن پژوهش، نگارنده به سوالات خود اکتفا نکرده و از عمق گفت و گو با مصاحبه شوندگان مفاهیم مورد نیاز جهت پاسخ به پرسش پژوهش را استخراج کرده است.

در این پژوهش به منظور قابلیت اتکا از روش توافق بین کدگذاران بهره گرفته شده است. سوالاتی که در جریان مصاحبه از ساکنین شهر جدید پردیس پرسیده شده، مرتبط با اهداف پژوهش بوده و در پایان نتایج حاصل، پاسخگوی پرسش پژوهش بوده است. بنابراین از روایی درونی برخوردار است اما در ارتباط با روایی بیرونی به دلیل نزدیکی چالشها و مسائل در شهرهای جدید ایران، نتایج حاصل از این پژوهش تعمیم پذیر بوده و از روایی بیرونی نیز برخوردار است.

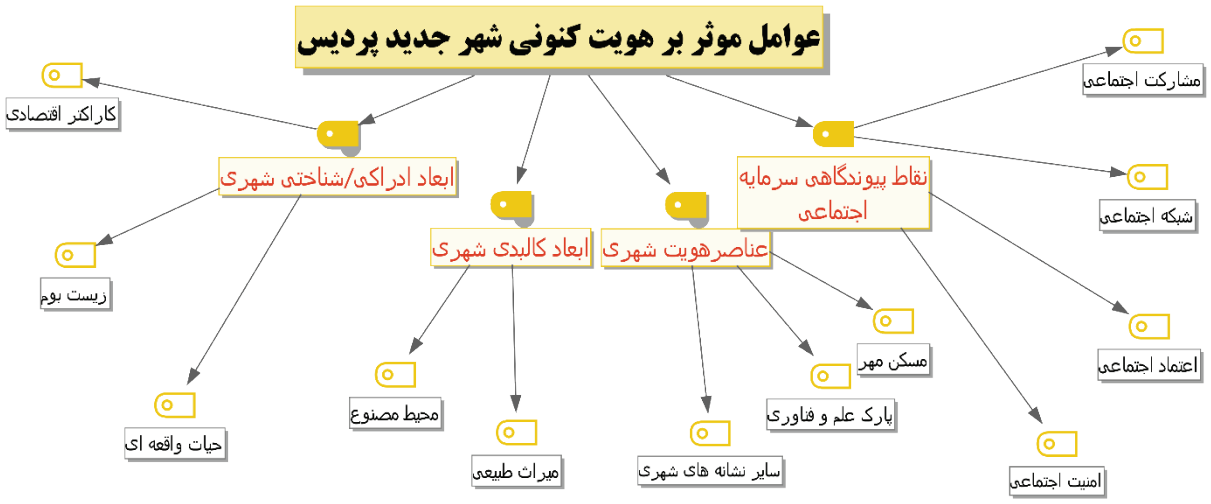
یافته‌های تحقیق

پس از اشباع نظری در مصاحبه‌ها و کدگذاری در ۳ مرحله و استخراج ۴۳۰ کد، ۱۲ مقوله فرعی و ۴ مقوله اصلی، مدل مفهومی پژوهش تولید گردید که در ذیل به تفصیل مقوله‌های فرعی و اصلی بیان شده است:

عوامل مؤثر بر شکل‌گیری هویت کنونی در شهر جدید پردیس: پرسش اصلی این پژوهش، مؤلفه‌های تأثیرگذار بر هویت شهر پردیس می‌باشد که در مصاحبه با مصاحبه‌شوندگان، استخراج پژوهشگر جهت کدگذاری در باب مسائلی همچون تصویر ذهنی ساکنان از شهر، ترجیح گذران اوقات فراغت در فضا، اشتغال، خدمات رفاه عمومی و اشتغال شهروندان، مسکن مهر، نگه‌داشت جمعیت، مشارکت اجتماعی، امنیت، نقش شهر در اسناد شهری و نقش نهادهای اجرایی در هویت شکل‌گرفته موجود شهر بوده که در ادامه به‌صورت تفصیلی به آنها اشاره شده است.

این پرسش دارای۴ مقوله اصلی بوده که عبارت است از: ۱. نقاط پیوند گاهی سرمایه اجتماعی با ۴ مقوله فرعی مشارکت اجتماعی، امنیت اجتماعی، شبکه اجتماعی، اعتماد اجتماعی. ۲. عناصرهویت شهری با ۳ مقوله فرعی مسکن مهر، پارک علم و فناوری و مقبره نورالشهدا. ۳. ابعاد کالبدی شهری با ۲ مقوله فرعی میراث طبیعی و محیط مصنوع. ۴. ابعاد ادراکی و شناختی شهر با ۳ مقوله فرعی کاراکتر یا شخصیت اقتصادی شهر، حیات واقعه‌ای و زیست بوم. بنابراین به این پرسش با ۴ مقوله اصلی و ۱۲ مقوله فرعی در دو گروه مدیریت شهری و شهروندان پاسخ داده شده است. در ذیل ابتدا مدل مفهومی پژوهش همراه با مقوله‌های فرعی و اصلی بدون کدهای مستخرج از مصاحبه ها، ارائه و به هر یک از ۴مقوله اصلی به تفصیل پرداخته شده است:

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]



تصویر ۱_ مدل مفهومی عوامل مؤثر بر هویت کنونی شهر جدید پردیس

نقاط پیوندگاهی سرمایه اجتماعی: مقصود از سرمایه اجتماعی، کنش و واکنش میان ساکنان یک شهر و عواملی که سبب پیوند مستمر میان آن‌ها بوده، می‌باشد و نقاط پیوندگاهی سرمایه اجتماعی درواقع شامل رفتارها و هنجارها و ارزش‌هایی بوده که بر ارتباط میان کنشگران، میزان اعتماد و اطمینان به یکدیگر در شبکه‌های اجتماعی در شهر اثرگذار است.

***شبکه اجتماعی:** گروه‌های اجتماعی و در مقیاس کوچک‌تر افراد ساکن، مدیریت شهری و سازمان و نهادها در یک شهر با یکدیگر تعامل داشته و یک شبکه را شکل می‌دهند. در گفت و گو با شهروندان، نبود تعهد و مسئولیت پذیری در کارکنان و ساکنان نسبت به شهر، به‌علت عدم دریافت هویت از شهر بیان شده و پس از آن "توجه نکردن به مسائل اجتماعی در سازوکارهای مدیریت شهری" در احداث و تکمیل شهر جدید پردیس و "غیاب حس شهروندی" و صرفاً سکونتی عاری از حس آرامش ناشی از نداشتن حس تعلق به شهر و نبود یک هویت جمعی که نمودش در نظام ساختاری شهر هویداست، بیشترین تاکید شده‌است که این موارد خود بر بی تفاوتی ساکنان نسبت به یکدیگر تأثیر گذار بوده است.

***اعتماد اجتماعی:** "الگوی ساخت غالباً آپارتمانی" مسکن مهر و تعاونی ساز با بیشترین تأکید ساکنان سبب تشدید بی میلی در شناخت ساکنین از یکدیگر شده و این مسئله به نوعی سبب تجزیه اجتماعی شهر میان بومیان و افرادی که یکدیگر را می‌شناسند با مهاجران گشته و نبود اعتماد اجتماعی در شهر به‌صورت مستقیم بر غیاب مشارکت اجتماعی تاثیر سوء گذاشته است. در گفتگو با مدیریت شهری نیز "تنوع اقوام" و "عدم شناخت آن‌ها از یکدیگر" را عامل این مسأله دانسته اند.

***مشارکت اجتماعی:** "عدم وجود هویت شهری" مفهومی است که شهروندان عامل مشارکت نکردن دانسته‌اند. مشارکت اجتماعی با آن منطق "تداوم"، "عقلانیت" و "به دور از توقع بودن" در شهر جدید پردیس کم‌رنگ بوده و همانطور که از گفت‌وگوها استخراج، تلخیص و مفهوم‌سازی شد و دربند پیشین در ارتباط با زوال اعتماد اجتماعی ذکر گردید، افراد بدون اعتماد و بدون حس امنیت تمایل به حضور در فضا در آن‌ها کمرنگ شده و گذاری از مرحله هویت مکان یا شناخت محیط به هویت مکانی یا ارتباط روانی با محیط مشاهده نشده است و تا زمانی‌که هویت شهری توسط موارد مذکور در ساکنان القاء نشود، انتظار مشارکت اجتماعی فعال امری غیر منطقی است.

همچنین از گفت‌وگو با مردم، پژوهشگر این نکته را برداشت کرده که در فازهایی که با در نظرگیری واحدهای همسایگی، مسکن مهر احداث و یا در حال احداث است، مردم تمایل به مشارکت داشته اند اما در گفتگو با کادر مدیریت شهری بیشترین تمرکز بر "تعهد نداشتن ساکنین و کارکنان به شهر" و "مشارکت نکردن ساکنان ب علت عدم دریافت هویت از شهر" بوده و ریشه آن را در "نبود پیوندهای گروهی و جمعی" دانسته‌اند.

ازسویی‌دیگر سکونت صرف، خوابگاهی بودن شهر و خروج بسیاری از جمعیت فعال به تهران جهت اشتغال، سبب تشدید عدم شکل‌گیری حس تعلق در ساکنان شده و برخی از آن‌ها را تبدیل به ساکنانی کرده که صبح از شهر خارج شده و شب به شهر بازمی‌گردند. ساکنانی از این دست خود را متعلق به اجتماع و شهر ندانسته، از مسائل شهر دور بوده و تعهدی در خود نسبت‌به مشارکت در مسائل شهری نمی‌بینند.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]

همچنین استفاده نکردن از ظرفیت‌های مردمی در مسائل شهری، مکانیسم‌های غیر منعطف تهیه طرح‌ها و پروژه‌های شهری سبب دور شدن هرچه بیشتر مردم از مسائل شهری شده و مشارکتی هم اگر توسط ساکنان صورت گیرد، مشارکتی مبتنی بر منفعت طلبی است.

***امنیت اجتماعی:** هویت در بحث امنیت اجتماعی نیز نقش پررنگی داشته چراکه فردی به‌محض ورود به فضا به‌صورت ناخودآگاه محیط را درک کرده، شناخت شکل‌گرفته، این شناخت سبب پیوند با فضا شده، ساختارهای فضایی را شناسایی کرده و این شخصیت ویژه فضا سبب ایجاد هویت شده و در فرد نوعی احساس امنیت ایجاد می‌کند. در نقطه مقابل در شهر جدید پردیس و در استخراج مفاهیم در اسناد مصاحبه، مصاحبه‌شوندگان بدلیل غیاب امنیت اجتماعی حاصل از نبود هویت شهری، تمایل زیادی به حضور در فضا نداشته که این خود سبب تشدید این روند معیوب گشته است. در این گفت‌وگو شهروندان با بیشترین تأکید "تنوع اقوام" را عامل ناهنجاری‌های اجتماعی و "عدم شناخت اقوام توسط یکدیگر" را منجر به نابودی امنیت روانی و اجتماعی شهروندان دانسته‌اند.

همچنین مؤلفه تنوع اقوام سبب ایجاد چالش در ارائه خدمات مأموران نیروی انتظامی شده و پس‌از آن عامل "فقدان نظارت همگانی" ناشی از ناشناس بودن موجب بی‌تفاوتی ساکنان نسبت‌به یکدیگر شده است که این خود دست مجرمین را باز گذاشته و فضای شهری برای آن‌ها تبدیل به خلوتگاهی امن شده است. در گفتگو با کادر مدیریت شهری، با بیشترین تأکید "مسکن مهر" و پس از آن "فقدان نظارت عمومی" را عامل نابودی امنیت شهر دانسته‌اند و همچنین علاوه‌بر اشاره به موارد ذکرشده در بخش گفتگو با شهروندان،کادر مدیریت شهری به خطرات ناشی از مجاورت شهر بومهن اشاره کرده و استقرار قشر ضعیف در فازهای مسکن مهر را سبب ناهنجاری‌های اجتماعی دانسته‌اند.

ابعاد کالبدی شهری: ابعاد کالبدی از عناصر هویتی یک شهر می‌باشد که خود به ۲ دسته محیط مصنوع و محیط طبیعی تقسیم می‌گردد. این عنوان همان‌طور که از نام آن پیداست، مقصود، بستر کالبدی موجود در شهر جهت انجام فعالیت که شامل تنوع بصری، بافت شهر، مقیاس، محصوریت، چگونگی دیدهای پی‌درپی در محیط شهری و... بوده و در مجموع شخصیت کالبدی شهر را شکل داده است.

***محیط مصنوع:** اولین قسم از شخصیت کالبدی شهر، محیط مصنوع بوده که در گفتگو، ساکنان توجه ویژه‌ای بر "کمبود خدمات رفاه عمومی به‌عنوان مؤلفه‌ای مؤثر در عدم نگه‌داشت جمعیت" و با عنوان دقیق‌تر جابجایی درون محدوده شهری ساکنان کرده که این خود به‌تنهایی عامل تشدید بی‌اعتمادی بوده است. خدمات رفاه عمومی و در نگاه جزءتر "نبود بیمارستان فعال" حتی پس‌از تبدیل پردیس به شهرستان مستقل، از جمله مسائلی است که سبب رنجش بسیاری از ساکنان شهر جدید پردیس شده است. نکته بسیار مهم در این است که وجود خدمات رفاه عمومی عاملی لازم و نه کافی برای نگه‌داشت جمعیت است چراکه خدمات رفاهی عاملی با تاثیر غیرمستقیم بر هویت بوده و برخی مصاحبه‌شوندگان اقرار داشتند که زادگاه خویش به‌لحاظ امکانات رفاهی حتی ضعیف‌تر از خدمات رفاهی در شهر جدید پردیس بوده اما تمایل زیادی به بازگشت به زادگاهشان دارند.

البته لازم به ذکر است که جدید بودن شهر، تکمیل لایه لایه‌ای و توسعه شهر بدون توجه به زیرساخت‌های موجود، عوامل اثرگذار بر نارضایتی ساکنان از کمبود خدمات رفاهی است زیرا ساکنان تمایل زیادی به استفاده از خدمات محلی نشان داده‌اند. مسئله‌ای که سرزندگی اندک شهر در وضع موجود را تهدید کرده‌است، تکمیل فازهاست که احتمال داده می‌شود فازهای جدید پس از تکمیل به علت جدایی گزینی فضایی از مرکز و فازهای اولیه شهر، تبدیل به شهرک‌هایی شده و تا حدودی از سرزندگی و پویایی مرکز شهر خواهد کاست چرا که بخشی از مراجعات ساکنین به مرکز شهر برای دریافت خدمات محله‌ای است که در محله و چه‌بسا فاز خود دسترسی به آن را ندارند. به‌خصوص ساکنان فاز ۱۱که علی رغم بارگذاری جمعیت، این فاز همچنان در حال تکمیل است.

نکته حائز اهمیت اینکه دو نفر از مصاحبه‌شوندگان در مورد "نبود قبرستان" در شهر جدید پردیس عنوان کردند که این ضعف هم در تکریم نیافتن ساکنان و هم به‌عنوان بستری برای تعاملات هرچند کوتاه تاثیرگذار بوده است. بنابراین مطابق با اسناد مصاحبه با شهروندان نیازهای زیستی اولیه در این شهر مرتفع نشده است. در گفتگو با کادر مدیریت شهری، به دلیل تحصیلات مرتبط برخی کارمندان و تخصص در رشته شهرسازی، مفاهیم حاصل، از عمق بیشتری برخوردار بودند.

در این گفت‌وگو مفهوم " تحقق نیافتن نقش تفریحی و توریستی" اختصاص داده شده به شهر جدید پردیس ازسوی اسناد بالادستی، مورد بیشترین تأکید قرار گرفته و پس‌از این مفهوم به مفهوم "کمبود خدمات رفاه عمومی به‌عنوان مؤلفه‌ای در عدم نگه‌داشت جمعیت" اشاره شده که ماحصل بی‌توجهی به زیرساخت‌ها در مهاجر پذیری است. نکته قابل‌توجه اینجاست که خدمات رفاهی در این شهر به‌صورت متوازن توزیع نشده، به اختلاط کاربری‌ها توجه نشده، زونینگ سبب نابودی سرزندگی و خلوت بودن بیش‌ازحد شهر در ساعاتی از روز شده و نبود کاربری‌های جاذب جمعیت سبب حضور پذیری ضعیف در فضاهای شهر شده و توجهی به جداره‌ها در منظر کالبدی نمای شهر نشده است.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]

***میراث طبیعی:** پوشش گیاهی منطقه، عوارض توپوگرافی، اقلیم، مؤلفه‌های طبیعی و... که در عنوان میراث طبیعی یک شهر جای می‌گیرند، در اسناد مصاحبه "اقلیم" مورد بیشترین اقبال از سوی شهروندان قرار گرفته و آن را یک عامل هویت‌بخش به شهر دانسته و پس‌از آن رنجش از " توجه نکردن به کیفیت اکولوژیکی منطقه" در تقویت نقش توریستی و تفریحی منطقه، نابودی این کیفیت‌ها برای توسعه شهر و ساخت مسکن مهر در گفت و گوها مشهود بود. در گفتگو با کادر مدیریت شهری بیشترین تاکید بر مفهوم "بی‌توجهی به کیفیت اکولوژیکی" در ایجاد نقش تفریحی و توریستی بوده و پس‌از آن همچون شهروندان "اقلیم" را عامل مهمی در هویت بخشی شهر دانستند. همچنین نمای پلکانی ساخت مسکن نشان از بهره‌گیری از ابعاد توپوگرافیک منطقه بوده ولی این تهدیدهای اکولوژیکی سبب تحقق نیافتن برخی فعالیت‌ها شده‌است.

ابعاد ادراکی/شناختی شهری: مقصود از بعد ادراکی و شناختی شهر به بیان ساده‌تر، کارکردها و فعالیت‌هایی است که به‌لحاظ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در شهر شکل یافته و به آن هویت می‌بخشد.

***کاراکتر اقتصادی:** شخصیت اقتصادی یک منطقه و در مقیاس کوچکتر، یک شهر، فعالیتی است که به خود اختصاص داده شده باشد. خوداتکایی اقتصادی در گرو فعالیت‌های ویژه است که هویت اقتصادی را سبب می‌گردد. در مصاحبه با شهروندان و مطابق با اسناد شهر جدید پردیس، دریافت شده که پردیس شهری خوابگاهی است که از خوداتکایی برخوردار نبوده و هر روز تعداد زیادی از جمعیت فعال مهاجرت روزانه به کلان‌شهر تهران داشته، در ساعات پایانی روز تهران را ترک کرده و به پردیس بازمی‌گردند. در مقابل تعداد زیادی از شهروندان تهرانی (با تأکید بر جمعیت فعال خانم) برای کار در ادارات و... به پردیس مهاجرت روزانه داشته و پس از پایان ساعات کار اداری به تهران بازمی‌گردند که این خود نشان‌دهنده دور شدن شهرهای جدید پردیس از اهداف اولیه خود است.

در این شهر خوابگاهی و در ابتدای احداث شهر جدید و حتی همچنان، به امر اشتغال این جمعیت مهاجر فکری نشده و برخی از ساکنان تهرانی که از روی ناچاری مالی، به پردیس مهاجرت کرده اند، هر روز به تهران رفت و آمد می‌کنند درحالیکه شهر جدید پردیس دارای شهرکهای صنعتی بوده که می‌تواند جمعیت فعال زیادی را مشغول به کار کرد. در گفتگو با کادر مدیریت شهری، "غیاب خوداتکایی اقتصادی" مورد بیشترین اقبال و پس از این مفهوم مهاجرت روزانه کاری شهروندان تهرانی به پردیس، بهره‌برداری از این افراد جهت کار در پارک علم و فناوری، بی بهره بودن از نیروهای بومی و عدم گردش سرمایه به تبع آن، ناتوانی مالی اکثریت مهاجران تهرانی در افزایش تورم زمین و مسکن در کلانشهر تهران و کمبود سرمایه‌گذار در تحقق پروژه‌های شهری بوده است. مقصود از کمبود سرمایه‌گذار، استقبال نکردن مدیریت شهری از واگذاری بخشی از توسعه شهر به بخش خصوصی بوده که با توجه به بودجه محدود شرکت عمران و شهرداری در عمل این تفکر تمرکزگرا با محدودیت و چالش مواجه شده‌است. همچنین اشتغال در حوزه آزاد بدلیل هزینه بسیار بالا در خرید و فروش واحدهای تجاری با درآمدی پایین‌تر از تهران و اجاره بهایی بیشتر بر یک نقطه متوسط در تهران سبب بی رغبتی افراد برای کار در پردیس گردیده است.

***زیست بوم:** مقصود از زیست‌بوم در عنوان این پژوهش، عناصر موجود در محیط و برهمکنش‌های میان آن‌ها و به‌صورت دقیق‌تر شناخت زندگی افراد بومی شهر جدید پردیس متأثر از جمعیت‌پذیری شتابان بوده و همون‌طور که موجودات در یک زیست‌بوم بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند، در انسان‌ها نیز کنش‌ها و واکنش‌ها بر زندگی افراد در همه ابعاد تأثیر خواهد گذاشت. در گفتگو با شهروندان به‌خصوص آن‌هایی که از ابتدا یا حتی قبل‌از احداث شهر جدید پردیس در این منطقه سکونت داشته و خدمات رفاهی در آن زمان بسیار ناچیزتر از وضع موجود بوده، برداشت شد که "تداوم ارتباط فرد با مکان" سبب حس تعلق و هویت بخشی شده و مردم توجه ویژه‌ای به این مفهوم داشتند.

همچنین زندگی بومیان بعد از مهاجرپذیری و ورود تنوعی از اقوام به شهر، به‌شدت تحت تأثیر قرارگرفته و سبب ایجاد "حس انزجار"، "نابودی حس تعلق نسبت‌به شهر" و "غریب گزی نسبت‌به مهاجران" گردیده است چراکه فضای جدید برای برخی از مهاجران "انکار اصالت" و "هویت تقلیدی" را به‌همراه داشته و در برخی دیگر از مهاجران به‌خصوص مهاجران تهرانی "انتظارات غیر واقع‌بینانه" همچون BRT و دیگر خدمات شهر تهران را. در گفتگو با کادر مدیر شهری برداشت شد که "مدت زمان سکونت" و "تداوم ارتباط فرد با مکان" توانسته عامل هویت‌بخشی به شهر شده و جمعیت پذیری شتابان به واسطه ساخت و تحویل مسکن مهر، انزجار بومیان را برانگیخته است.

***حیات واقعه ای:** یک مکان زمانی به سوی هویتمند شدن پیش می‌رود که به‌یادماندنی باشد. حیات واقعه‌ای یا خاطرات جمعی سبب اتصال افراد به فضا و پیوند افراد با دیگرانی که در تجربه آن خاطره سهیم بودند، شده و تعامل شکل می‌گیرد. در گفتگو با شهروندان این مفاهیم برداشت شد که حیات واقعه‌ای در نگه داشت بومیان مؤثر بوده و تغییر مداوم کارکردهای فضا ازجمله تعریف نکردن فعالیت یا کارکردی جدید در نقاط هویتمند گذشته مانند اولین ورودی شهر از سمت خیابان فروردین شمالی و جنوبی یا نابودی اولین پارک شهر تحت

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]

عنوان پارک تفرجگاه، سبب از بین بردن حس تعلق بومیان شده و این موضوع زمانی اثبات شد که میدان عدالت، به‌عنوان اولین میدان شهر جدید پردیس که همچنان دایر است، در تصویر ذهنی تقریباً تمامی شهروندان حضور داشت.

در مصاحبه با کادر مدیریت شهری مفاهیمی چون "فقدان کلیت فضایی ادراک پذیر" به‌معنی اینکه هنوز پس‌از گذشت ۳۰ سال در این شهر، قبل‌از تکمیل دیگر فازها، فاز جدید کلید خورده و فضا بدون حد و مرز بوده‌است. همچنین مفاهیمی چون "نبود روح مکان در تجربه شهر و فضای شهری"، "توجه نکردن به عرصه‌های عمومی" (که شکل‌دهنده بسیار قوی تعاملات بین شهروندان بوده)، "بهره نیافتن از نماد شهری" پس‌از ۳۰ سال از احداث شهر جدید که باعث اتصال نیافتن افراد به فضا شده، برداشت گردیده است.

عناصر هویت شهری: بنا بر تعریف هویت شهر، مبنی‌بر وجود عناصری که سبب تشخص، تمایز شهر از دیگر شهرها گشته، عناصری که تداعی‌گر خاطره جمعی، تفهیم معنا، ادراک فضا، هویت القایی و... باشد، مفاهیم استخراج شده و به ۳ زیر مقوله ۱. مسکن مهر ۲. پارک علم و فناوری و ۳. سایر نشانه‌های شهری تقسیم شده‌است.

***مسکن مهر:** مفاهیم "نابودی حیات اجتماعی و کالبدی شهر" و "هویت کالبدی شهر برخاسته از مسکن مهر" دارای بیشترین تأکید از سوی شهروندان بودند. البته مسکن مهر عنصری است که نقش بسیار پررنگی را در تصویر ذهنی ساکنان ایفا کرده‌است ولی هویت کالبدی شهر پردیس برخاسته از مسکن مهر، با تعریفی که در بالا بدان اشاره شده‌است، مطابقت نداشته و یکنواختی بیش‌ازحد آن سبب تشدید بی‌هویتی کالبدی شده و شهروندان ذهنیت مثبتی نسبت به آن نداشتند. علاوه‌براین بی توجهی به کرامات انسانی در جدایی گزینی فازهای مسکن مهر در فازهای ۵،۸،۹ و۱۱، نمای نامناسب (رنگی رنگی کردن مسکن مهر در بین فازهای ۳ و ۴)، ناتوانی مالی شرکت عمران از تحویل واحدهای مسکن مهر به خریداران در زمان مناسب و نابودی انسجام کالبدی در فازهای ۱۱ و ۱۲، ضعف کیفیت مصالح بکار برده شده در واحدها، از دیگر مفاهیمی هستند که از گفتگو با ساکنان به‌دست‌آمده است.

همچنین "ازدیاد مشاور املاک با اهداف سودگرایانه" و "ضعف در پیشگیری از تخلفات ساختمانی"، هم در ساخت و هم در خرید و فروش توسط مدیر شهری، مسئله‌ای است که سبب احداث فاز جدید قبل از تکمیل فازهای دیگر شده‌است اما در گفتگوی صورت‌گرفته میان پژوهشگر و اعضای مدیریت شهری، "نابودی حیات اجتماعی و کالبدی شهر" همچون مفهوم تداعی شده در گفتگو با شهروندان، (هویت کالبدی شهر که همان‌طور دربند پیشین به آن پرداخته شد، این خود به نوعی بی‌هویتی کالبدی است)، "ازدیاد روزافزون مشاور املاک" با هدف افزایش کارایی و سود بوده و "نابودی پروژه دره بهشت فاز ۸" که پروژه‌ای پیشنهادی در کاربردی تفریحی، توریستی بوده که ۷۵٪ از مساحت آنجا تغییر کاربری و به مسکن مهر تبدیل شده‌است، بیشترین تأکید را داشته و پس‌از آن "سرریز جمعیتی برخی از فازها" که هنوز تکمیل نشده ولی بارگذاری جمعیت صورت‌گرفته و برای دریافت خدمات به دیگر فازها مراجعه می‌کنند که این مسئله خود بر زیرساخت‌های فاز خدمات‌دهنده، فشار آورده و چالشی را برای ساکنان فاز به ارمغان آورده است. ساخت تراکم بالای ساختمانی و توسعه در ارتفاع که بر پهنه گسل شهر مستقر شده، سبب ایجاد یک خطر بالقوه برای شهر شده است.

***پارک علم و فناوری:** این پارک، نقش علمی و پژوهشی پیشنهادی در اسناد بالا دست برای شهر جدید پردیس را ایفا کرده اما از محصوریت بالایی برخوردار است که بسیاری از ساکنان حتی برای یک‌بار، فضای درون پارک را ندیده و کارکرد شکل یافته در آن برای ساکنان شفاف نیست.

شاید بسیاری بر این باور باشند پارکی که بر مسائل پژوهشی متمرکزشده، ضرورتی بر ورود و خروج آسان مردم عام حتی یک‌بار به داخل پارک (که یک فضای محصور نیمه عمومی با عنصر نگهبانی است) وجود ندارد اما اگر بنا بر این بود که این پارک، یک عنصر فضایی مهم در شهر باشد، مردم نیز باید با آن "همذات پنداری" کرده و معنایی را برای آن‌ها تفهیم‌کنند، که در عمل با مکان‌یابی نادرست و جای‌گیری پارک در جهت اراضی جنوبی شهر جدید پردیس، (که با عبور آزادراه تهران–شمال از قسمت شمالی و جنوبی سبب ازهم‌گسیختگی کالبدی و چند پارگی شهر شده) انسجامی دیده نشده و با معبری به یکدیگر ارتباط داده نشده‌است. گویی قسمت جنوبی متعلق به شهر نبوده و ساکنان تهرانی که برای کار هر روز صبح به پارک فناوری می‌روند به‌هیچ‌عنوان وارد قسمت شمالی شهر نشده، سرزندگی را به درون شهر نیاورده و پس‌از پایان ساعت کاری نیز از همان بریدگی آزادراه به تهران مراجعت می‌کنند. علاوه بر این به پارک فناوری به عنوان عنصری که پتانسیل ایجاد خوداتکایی اقتصادی دارد، توجهی نشده و از کارکنان بومی استفاده نشده است که این خود سبب عدم گردش سرمایه در شهر پردیس می‌گردد. همه مسائل مذکور، مسائلی هستند که ساکنان نسبت به آن معترض بوده و سبب حس بی تفاوتی نسبت به این عنصر فضایی شده است. در گفت و گو با کادر مدیریت شهری، برداشت شده است که علاوه بر پارک فناوری، دانشگاهی تحت عنوان دانشگاه علوم شناختی در شهر وجود

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]

دارد ولی باز هم به علت شفافیت نیافتن کارکردها در آن، نسبت به فعالیت‌های صورت گرفته، اظهار بی اطلاعی کردند. همچنین تمام موارد مذکور توسط شهروندان نیز در این بخش از گفت و گو تکرار شده است.

***مقبره نورالشهدا و سایر نشانه‌های شهری:** این مقبره مکانی مذهبی است که از همه شمولی برخوردار نبوده و تنها مربوط اقشار مذهبی شهر می‌باشد. در گفت‌وگو با مدیریت شهری علاوه بر ذکر مقبره نورالشهدا به‌عنوان نشانه‌ای شهری، از بام پردیس (که زمانی در دست احداث بوده و متوقف شد) را دارای پتانسیل هویتی ذکر کردند.

در ابر کدی که در زیر آورده شده است تاکید بر مفاهیم، با جلوه‌ای بصری از بیشتر به کمتر ارائه شده است.



تصویر ۲- ابر کدی عوامل مؤثر بر هویت شهر پردیس از نگاه شهروندان



تصویر ۳- ابر کدی عوامل مؤثر بر هویت شهر پردیس از نگاه کادر مدیریت شهری

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش به روش کیفی و بهره از راهبرد تحلیل محتوا، با هدف انجام یک پژوهش کاربردی و استفاده از جامعه هدف در ۲ گروه شهروندان و کادر مدیریت شهری (۱۳ نفر شهروند و ۱۵ نفر از اعضای مدیریت شهری با توجه به اشباع نظری) و بهره از اسناد مصاحبه، پیمایش، اسناد کتابخانه‌ای و شهری و کدگذاری آن‌ها و تحلیل در نرم‌افزار MAX QDA به سوال پژوهش پاسخ داده است. بخش CODE RELATION BROWSER نرم‌افزار MAX QDA جدولی تقاطعی است که نشان‌دهنده تقاطع در مفاهیم اسناد مصاحبه و ارائه آن‌ها در موقعیتی یکسان است. در جدول تقاطعی نرم‌افزار مذکور در چند مورد که مفهوم "ضعف در ارائه خدمات رفاهی" برداشت شد، مفهوم "فقدان خوداتکایی اقتصادی" نیز مطرح گردید. تحلیل پژوهشگر دراین‌باره بدین صورت است که زمانی‌که خوداتکایی، شخصیت ویژه اقتصادی،گردش سرمایه در شهر سبب ارتقاء سطح توانمندی مالی شرکت عمران شهر جدید پردیس شود، این شرکت در تکمیل و ارائه خدمات سرعت می‌بخشد. همچنین در جدول مذکور در گفت‌وگو با مدیریت شهری مفاهیم "ضعف درارائه خدمات رفاهی" و "نبود حس شهروندی" تقاطع داشته و این احتمالاً نشان‌دهنده عدم شکل‌گیری پیوند با فضا به‌علت دریافت خدمات از دیگر شهرها و تداوم نیافتن ارتباط با شهر است.

در بخش یافته‌های تحلیلی، به سؤال پژوهش، تحت عنوان "عوامل مؤثر بر هویت شهر جدید پردیس" پاسخ داده شد و چهار مقوله اصلی تحت عنوان "عناصر هویت شهری"، "ابعاد کالبدی شهری"، "ابعاد ادراکی، شناختی شهری"و"نقاط پیوندگاهی سرمایه اجتماعی" استخراج شد.

زیر مقوله‌های "محیط مصنوع" و "میراث طبیعی" در مقوله اصلی "ابعاد کالبدی شهری" جای گرفته‌اند. عناصر موجود در فضا که شهروندان به طور بالقوه در ارتباط با آن قرار می‌گیرند و بر هویت شهر تاثیر می‌گذارند، در زیرمقوله محیط مصنوع جای می‌گیرند. با توجه به آراء جین جیکوبز سرزندگی محیط مصنوع ارتباط مستقیمی با تراکم جمعیتی و فعالیتی در آن دارد. زیرا این مهم سبب گسترش تعاملات میان شهروندان می‌گردد و رغبت حضور در فضا را افزایش می‌دهد. از دیگر سو با بهره‌گیری از نماهایی شاخص که موجب خلق حس مکان و مفصل‌بندی فضا می‌گردند به جای نماهای تکراری در فضاهای شهری علی الخصوص مسکن مهر می‌توان در ساماندهی هویتی محیط مصنوع شهر جدید پردیس گامی بزرگ برداشت.

زیر مقوله‌های "کاراکتر اقتصادی"، "حیات واقعه‌ای" و "زیست‌بوم" تحت مقوله‌ی اصلی "ابعاد ادراکی و شناختی شهری" طبقه بندی شده‌اند. ادراک انسان از محیط به وسیله عناصر فضایی ابتدا با دریافت بالقوه و سپس از دریافت بالفعل از منظر و ورود به لایه معنا و ایجاد خاطره صورت می‌گیرد. در مورد زیر مقوله حیات واقعه ای، جک نسر عواملی چون رابطه رفت و برگشتی میان پیچیدگی و نظم فضا، گشودگی، طبیعی و تاریخی بودن و مدنیت فضا را در افزایش علاقه شهروندان به فضا مؤثر می‌داند. این عوامل متقابلا موجب درگیری، ادراک و تفسیر فضا می‌گردد. این در حالی است که شهر پردیس به واسطه جدید بودن، یکی از عوامل اصلی هویتمندی مکان را دارا نیست.

عدم وجود فعالیت‌هایی در معابر اصلی و تک عملکردی بدون هیچ گونه اختلاط با نقش دسترسی و پیاده‌روهایی بلااستفاده امکان حضور و تجربه فضاها را از شهروندان گرفته است چراکه معابر که مهم ترین مؤلفه در تصویر ذهنی شهروندان می‌باشند موجب خوانایی فضا را فراهم می‌آورند. با توجه به کاربری‌های اداری در میدان‌های اصلی شهر، پس از خروج از ساعات اداری سرزندگی تا حد زیادی از این میدان‌ها کاسته شده و وجود تعداد زیادی پاساژ با واحدهای تجاری خالی از فعالیت ازخاصیت دعوت کنندگی فضا کاسته و مانع از ایجاد فضای معاشرت پایدار میان شهروندان گشته است و در زیر مقوله زیست بوم، ساکنان بومی که از ابتدای احداث شهر جدید پردیس حضور داشتند به واسطه تغییر مداوم فضاهای شهری دچار بحران هویت و عدم انطباق تصویر ذهنی خود با فضاهای مورد نظر شده اند.

زیر مقوله‌های "پارک علم و فناوری"، "مسکن مهر" و "سایر نشانه‌های شهری" تحت مقوله‌ی اصلی "عناصر هویت شهری" گنجانده شده‌اند. مقصود ازعبارت هویت شهری، عناصری است که موجب تمایز شهر جدید پردیس از دیگر شهرها بوده و موجب ادراک منظر و تفسیر معنای فضا توسط شهروندان گردد. این عناصر در ابعاد کالبدی، اقتصادی، زیست محیطی و ... قابل بررسی است. با توجه به جدید بودن شهر جدید پردیس مکان‌های ساختگی نیز می‌توانند در این راستا به هدف مندی کمک شایانی کنند اما مطابق با نظر سیرکوس وجود داستان و مضمون است که یک مکان ساختگی را موفق می‌سازد. بنابراین فعالیتهای منظم در یک فضا تاثیر متقابلی بر یکدیگر می‌گذارند و بدین گونه با تعامل میان شهروندان، حس مکان بوجود می‌آید.

خواه ناخواه مسکن مهر نقش بسیار پررنگی در تصویر ذهنی مصاحبه شوندگان داشته و تاکید بیش از حد مدیریت شهری بر ساخت مسکن مهر در این شهر موجب شاخص شدن این عنصر در شهر شده به طوری که در ورودی شهر جدید پردیس ظاهر مسکن مهر توجه ترافیک ورودی به این شهر را به خود جلب می‌کند. این در حالی است که این نوع از مسکن تاثیر منفی بر هویت کالبدی شهر گذاشته و آن را دچار

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]

بحران هویت کالبدی کرده است. مسکن مهر عنصری پررنگ در تصویر ذهنی شهروندان است اما مطابق با ویژگی‌های هویت کالبدی نیست چراکه شخصیت ویژه و حس مکان را در شهروندان ایجاد نکرده است و به واسطه پراکندگی آن در فازها موجب گسست فضایی و اجتماعی گشته است. همچنین با تراکم ساختمانی زیاد این گونه از مسکن مهر، فازها از انعطاف پذیری در مقیاس بزرگ در شهر کاسته است.

پارک علم و فناوری که با مکانیابی نادرست در اراضی جنوبی شهر موجب ازهم‌گسیختگی کالبدی گشته و با محصوریت بیش از حد موجب بی‌تفاوتی ساکنان نسبت به این عنصر فضایی مهم شهر شده است. از بارزترین مؤلفه‌های زیرمقوله سایر نشانه‌های شهری، مقبره نورالشهدا است که در مکانیابی درست عمل کرده اما مخاطبین این عنصر فضایی، تنها یک گروه خاص را در بر می‌گیرد.

زیر مقوله‌های "اعتماد اجتماعی"، "امنیت اجتماعی"، "مشارکت اجتماعی"، و "شبکه اجتماعی" در مقوله اصلی "نقاط پیوند گاهی سرمایه اجتماعی" طبقه‌بندی گردید. در مباحث اجتماعی به ویژه مشارکت اجتماعی ناگزیر بعد ادراک مورد تاکید است. ادراک فضای شهری توسط شهروندان و منظری که بر کنش و واکنش آنها حائز اهمیت است، بر مشارکت آنها نیز تاثیر می‌گذارد. از سوی دیگر مکان هویتمند، مکانی که به وسیله شاخص‌های فضایی و فعالیت‌های پیوسته به لایه‌های عمیق معنایی و تفسیری شهروندان وارد شود، مشارکت منفعت طلبانه تبدیل به مشارکت همدلانه شده و این خلاء در این شهر از بین خواهد رفت. حس تعلق به مکان امری درونی است که تقویت آن در فضای شهری موجب مشارکت هر چه بیشتر شهروندان می‌گردد. رنگ تعلق یا شخصی سازی از جلوه‌های حس تعلق به شمار می‌آید که این خود موجب تداوم و تجربه مکرر فضا توسط شهروندان گشته و دلبستگی عمیق بین آنان و مکان پدیدار می‌گردد. می‌توان با شخصی سازی و رنگ تعلق زدن به فازهای شهر جدید پردیس، فضاهای تعاملی افزون گردد. فضاهای مابین فضاهای خصوصی و عمومی با عناصر شاخص به این موارد کمک می‌کنند (سعیدی رضوانی و شش پری، ۳۸).

همان‌طور که ذکر شد، هویت در امنیت اجتماعی حائز اهمیت است و مکان به واسطه ویژگی‌هایی چون ثبات و تحدید از پتانسیل هویت پذیری بالایی برخوردار است. در شهرهای جدید علی الخصوص شهر جدید پردیس مکان‌های ابداعی باید پاسخگوی نیازهای شهروندان باشند تا تمایل حضور و ادراک فضا در آنان زنده شود. ویژگی‌هایی چون آسایش، اکتشاف و امکان درگیری فعال و غیرفعال با محیط موجب ایجاد فضاهای تعاملی شده و در پی آن احساس امنیت اجتماعی در شهروندان افزون می‌گردد. همچنین مطابق با آراء جین جیکوبز شرط لازم در طراحی واحدهای همسایگی موفق احساس امنیت فرد در میان غریبه‌ها می‌باشد که این مهم ارتباط مستقیم با مؤلفه امنیت اجتماعی شهروندان داشته است.

نکته‌ی مثبتی که در مصاحبه‌ها در مبحث شبکه اجتماعی به آن پرداخته شده، وجود هویت جمعی در فاز ۴، ماحصل ۴ عامل وجود سازمان‌های مردم‌نهاد، شناخت آن‌ها توسط مردم، رعایت واحدهای همسایگی و سابقه بالای احداث این فاز نسبت به دیگر فاز هاست. در دیگر فازها، نقطه مقابل موارد مذکور، به‌صورت ناشناس ماندن سمن‌ها توسط مردم و نبود حمایت مدیریت شهری از این سازمان‌ها که این خود بر فقدان مشارکت ساکنان تأثیر بسزایی گذاشته، مشاهده شده است. همچنین مطابق با اسناد مصاحبه، شناخت اجتماعی مهاجرین و جمعیت موجود شهر توسط مدیریت شهری کافی نبوده که این مسئله نیز تا حدودی به نبود مدیر شهری واحد بازگشته و آن را برای مدیریت شهری تبدیل به چالشی بزرگ کرده‌است.

زیر مقوله اعتماد اجتماعی مهم‌ترین رکن در سرمایه اجتماعی است چراکه بدون اعتماد، جامعه انسجام و اتحاد خود را از دست داده و به سمت فروپاشی می‌گراید. اعتماد اجتماعی در ۲ سطح اعتماد میان ساکنان با یکدیگر و اعتماد میان ساکنان و کادر مدیریت شهری بوده و این واضح است که انسان‌ها به افراد آشنا اعتماد بیشتری کرده اما اعتماد به مدیریت شهری اعتمادی عام بوده و از گونه‌ای متفاوت است. گونه عام اعتماد، سبب تعاملات، مشارکت‌های مردمی، انعطاف‌پذیری بیشتر شده که در شهر جدید پردیس اعتماد از سطح اول خود که اعتماد به آشنایان بوده، گذر نکرده و نوعی سوءظن نسبت‌به مدیریت شهری از سوی ساکنان مطرح است که آگاهی نداشتن کارکنان از وظایف خود، تأخیر در تحویل واحدهای مسکونی مسکن مهر از سوی شرکت عمران شهر جدید پردیس و کمبود خدمات رفاهی سبب نابودی اعتماد ساکنان به کارکنان در حوزه مدیریت شهری بوده است.

در بررسی جداول فراوانی مفاهیم تلخیص شده از اسناد مصاحبه با شهروندان، مفهوم "خدمات رفاهی" را عاملی لازم (و نه کافی) در "نگه‌داشت جمعیت" و به تبع آن هویت‌مندی فضا از زیر مقوله "محیط مصنوع" و مقوله اصلی "ابعاد کالبدی" دانسته که در شهر جدید پردیس به‌علت کمبود خدمات رفاهی و توزیع نامتوازن عناصر، این مسئله محقق نشده و شهروندان در جایی‌که نیازهای زیستی اولیه آنان مرتفع نگردد، تمایلی به ماندن ندارند. همچنین جابجایی‌های مداوم در شهر جهت سکونت در فازی که نیاز شهروندان را مرتفع سازد، سبب ناشناس ماندن، بی اعتمادی، تداوم نیافتن ارتباط با فضای محله و ... گشته و این مسئله سبب نابودی حس تعلق، حس مکان و بی هویتی

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]

می‌گردد. این مفهوم با بیشترین فراوانی از اسناد حاصل شد اما در اسناد مصاحبه با کادر مدیریت شهری، تحقق نقش تفریحی توریستی پیشنهادی در اسناد بالادستی را در هویت پذیری شهر جدید پردیس مؤثر دانسته که این مسئله هم محقق نشده است و نشان دهنده کمبود فضایی است که با کارکردی ویژه افراد را در کنار یکدیگر جمع کرده و سبب تعامل آنان و ساخت حیات واقعه‌ای باشد، می‌باشد.

در این پژوهش با توجه به بررسی عوامل کالبدی، اقتصادی، زیست محیطی در دستیابی به پرسش پژوهش مبتنی بر عوامل مؤثر بر هویت شهر جدید پردیس و تاکید پژوهشگر بر تاثیرات ابعاد مذکور در زمینه‌های گوناگون بر ابعاد اجتماعی همچون حس مکان، حس تعلق، رنگ تعلق و دیگر مواردی که بر تفسیر زوایای پنهان شهر و ادراک از فضا و شخصی سازی آن توسط شهروندان می‌گذارد، بوده است. به عبارت دیگر تاثیر عوامل کالبدی، اقتصادی و زیست محیطی در این پژوهش در خدمت ابعاد اجتماعی هویت شهر جدید پردیس در جهت پاسخ به پرسش پژوهش بوده است.

پی‌نوشت‌ها

1. Michael Young & Peter Wilmot
2. Erikson
3. Henri Tajfel & John Turner
4. Social Identity Theory
5. Newman
6. Hillier
7. Jane Jacobs
8. Colantonio
9. Kevin Lynch

منابع

- ایرانمنش، ل. و شیخ پور، م. (۱۳۹۹). *بررسی مؤلفه‌های هویت شهری (مطالعه موردی: شهر کرمان).* هفتمین کنفرانس ملی پژوهش‌های کاربردی در مهندسی عمران، معماری و مدیریت شهری، ۲۰-۱.
- بمانیان، م ر.، غلامی رستم، ن. و رحمت پناه، ج. (۱۳۸۹). *عناصر هویت ساز در معماری سنتی خانه‌های ایرانی.* فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات هنر اسلامی، ۲(۱۳). صص ۶۸-۵۵.
- بهزادفر، م. (۱۳۹۰). *هویت شهر*، تهران:نشرشهر.
- پاپلی یزدی، م ح. و رجبی سناجردی، ح. (۱۳۹۳) *نظریه‌های شهر و پیرامون.* تهران: انتشارات سمت.
- تایلور، ن. (۱۳۹۴). *نظریه‌های برنامه‌ریزی شهری از آغاز تاکنون.* ترجمه محمود شورچه. تهران: انتشارات پرهام نقش.
- خاکی، غ. (۱۳۴۲). *روش تحقیق با رویکردی به پایان نامه نویسی.* تهران: مرکز تحقیقات علمی کشور با همکاری کانون فرهنگی انتشاراتی درایت.
- دهخدا، ع ا. (۱۳۸۵). *لغت نامه دهخدا.* تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ربانی، ر.، کریمی زاده اردکانی، س. و نظری، ج. (۱۳۸۹). *بررسی عوامل مؤثر بر هویت اجتماعی شهرهای جدید* (مطالعه موردی: شهر جدید پردیس). فصلنامه مطالعات ملی، ۱۱(۳)، صص ۱۲۸-۱۰۱.
- زیاری، ک. (۱۳۹۴). *برنامه‌ریزی شهرهای جدید.* تهران: انتشارات سمت.
- سوری، ا. (۱۳۸۸). *مروری بر مناقشات نظری پیرامون امنیت و روش‌های پیشگیری از جرم.* فصلنامه آرمانشهر، (۱۲)، صص ۳۸_۳۱.
- سیاوش پور، ب.، آبرون، ع ا. و اسعدی جعفر آباد، س. (۱۳۹۸). *شناسایی مؤلفه‌های هویت ساز بومی در بافت تاریخی فرسوده شهری.* نشریه معماری شناسی، (۱۲)، صص۱۵۴-۱۴۹.
- سعیدی رضوانی، ن. و شش پری، ز. *رنگ تعلق، راهی برای مشارکت شهروند در طراحی شهر.* نشریه همشهری معماری، صص۴۰-۳۸.
- لطیفی، غ ر.، فیضی چشمه گلی، ق. و باجلال، ر. (۱۳۹۴). *تبیین و ارزیابی شاخص‌های مؤثر در هویت شهری (نمونه موردی: محله نوغان شهر مشهد).* فصلنامه علمی پژوهشی خراسان بزرگ، ۶(۲۰)، صص ۴۲-۲۵.
- مشکینی، ا.، قاسمی، ا. و حمزه نژاد، م. (۱۳۹۳). *ارزیابی حس تعلق به مکان ساکنان شهرهای جدید* (مطالعه موردی: شهر جدید هشتگرد). فصلنامه علمی-پژوهشی فضای جغرافیایی، ۱۴(۴۸)، صص ۵۶-۴۱.
- وارثی، ح ر.، عامل بافنده، م. و محمدزاده، م. (۱۳۸۹). *بررسی و تحلیل مؤلفه‌های هویت شهری و رابطه آن با میزان تعلق مکانی ساکنین شهرهای جدید (مطالعه موردی: شهر جدید گلبهار).* مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۱(۲)، صص ۳۶-۱۷.
- یوسفی، ع. و صادقی نژاد، م. (۱۳۹۶). *مرور انتقادی نظریه سیمای شهر لینچ: نشانه شناسی نقشه‌های ادراکی شهروندان و بازشناسی هویت کالبدی شهر.* فصلنامه مطالعات جامعه شناختی شهری، ۷(۲۲)، صص ۷۲-۴۷.
- Basirat, M. , & Arbab, P. (2022). Analysing new town development in Iran: toward a new agenda. *International Review for Spatial Planning and Sustainable Development*, *10*(3), 84-107.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]

- Buckingham, D. (2008). *Introducing identity*. Chicago: MacArthur Foundation Digital Media and Learning Initiative.
- Cai, X. , De Meulder, B. , Lin, Y. , & Sun, H. (2020). New Towns' Planning and Construction in the Pre-Urbanization or Post-Urbanization Period: A Case Study of the New Towns' Development Process of Beijing. *Sustainability*, *12*(9), 3721.
- Cheshmehzangi, A. , & Heat, T. (2012). Urban identities: Influences on socio-environmental values and spatial inter-relations. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, *36*, 253-264.
- Colantonio, A. , Dixon, T. , Ganser, R. , Carpenter, J. , & Ngombe, A. (2009). Measuring Socially Sustainable Urban Regeneration in Europe. .
- Deaux , K. (2001). Social Identity. University of New York. pp 1-9.
- Eghbali, N. , & Hataminejad, H. (2022). The comparative study of planning dimension and habitation management in new town development in country divisions (Case study: New Towns of Andisheh and Pardis). *Geography and Development*, *20*(67), 186-217.
- Howard, J. A. (2000). Social psychology of identities. *Annual review of sociology*, *26*(1), 367-393. .
- Huddy, L. (2001). From social to political identity: A critical examination of social identity theory. *Political psychology*, *22*(1), 127-156. .
- Hwang, K. H. (2014). Finding urban identity through culture-led urban regeneration. *Journal of Urban Management*, *3*(1-2), 67-85.
- Kandemir, O. (2017, October). Architectural and urban identity transformation of Eskisehir-an Anatolian city. In *IOP conference series: Materials science and engineering* (Vol. 245, No. 4, p. 042031). IOP Publishing.
- Kehily, M. J. (2009). What is identity? A sociological perspective.
- Kheyroddin, R. , & Ghaderi, M. (2020). New towns as deconcentration or another concentration in the metropolis: evidence from Parand New Town in the Tehran Metropolitan Area. *International journal of urban sciences*, *24*(1), 69-87.
- Luyckx, K. , Schwartz, S. J. , Goossens, L. , Beyers, W. , & Missotten, L. (2011). Processes of personal identity formation and evaluation. *Handbook of identity theory and research*, 77-98.
- Manouchehri, B. , Tork, M. , & Vahidi, H. (2015). Motivations for settlement in new towns in a developing country: A case study of Andisheh new town, Iran. *International Journal of Development an Sustainability*, *4*(4), 461-478.
- Moser, S. (2020). New cities: Engineering social exclusions. *One Earth*, *2*(2), 125-127. .
- Qazimi, S. (2014). Sense of place and place identity. *European Journal of Social Science Education and Research*, *1*(1), 248-252.
- Simon, B. , & Trötschel, R. (2008). Self and social identity. *Introduction to social psychology: A European perspective*, 88-110.
- Smith, G. (2012). Self, self-concept, and identity. *Handbook of self and identity*, *2*, 69-104.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]

Understanding the factors affecting identity formation in the new city of Pardis

Mohadese Yousefpour*, Master of Urban Planning, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran
Mahmood Jomehpour, Professor of Urban and Regional Planning, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran
Ali Khaksari Rafsanjani, Professor of Urban and Regional Planning, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Received: 2022/12/31 *Accepted: 2023/6/1*

Extended abstract
Introduction: The increasing growth of the population and its concentration in metropolitan cities have led to the development of planned cities, the primary goal of which was to attract the population overflow. These cities were located near metropolitan areas based on the self-reliance and spatial organization principles with predetermined goals. This is an emerging phenomenon in the urban livability of Iran; moreover, an abundance of problems relevant to this issue has prompted researchers to pay special attention to different aspects of it. One example of this phenomenon is the planned city of Pardis, 17 kilometers northeast of Tehran. The authorities approved the location of Pardis in March 1990. Absorbing immigrants regardless of the social and cultural context of the destination and incompatibility of the population has led to the formation of identity diversity, identity confusion, and social isolation of residents. These residents did not develop a sense of belonging to this city and did not have the desire to experience the urban space. The purpose of this research is to analyze the components causing identity confusion formation in the current situation of this city.
Methodology: This applied research follows a qualitative method and content analysis strategy. Considering the theoretical saturation, the target population is 28 individuals and includes two groups of urban management staff and citizens. The data was collected from semi-structured interviews. The data analysis was performed using MAX QDA, a qualitative data analysis software.
Results: A total number of 430 codes were conducted in three stages. As a result, four primary and twelve secondary categories were extracted.
Conclusion: These showed that the citizens considered the lack of welfare services indirectly affecting the unwillingness to experience the urban space and the weakness in maintaining the population. On the other hand, the urban management staff considered the failure to fulfill the proposed recreational and tourist role for the planned city of Pardis by the upstream documents as the reason for the lack of urban identity by the residents and the absence of a distinctive image of the city.
Keywords: The new city of Pardis, Indentity, Identity diversity, Independent identity

* Corresponding Author's E-mail: m_yosefpour@atu.ac.ir

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]